

عوامل گرایشی سازگاری همسران از دیدگاه قرآن کریم

hvahidian@gmail.com

حمید وحیدیان اردکان / دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد

پذیرش: ۹۵/۶/۱۱

دریافت: ۹۴/۱۱/۲۹

چکیده

یکی از مهم ترین عرصه های گوناگون زندگی بشر، که سهم عمده ای از روابط اجتماعی را به خود اختصاص می دهد، زندگی خانوادگی و ارتباط با همسر است. یکی از مهم ترین ایده ها در روابط همسران، همسویی، همدلی و دوری از تنش است که از آن به سازگاری تعبیر می شود. همسرانی که در خانواده ای سازگار زندگی می کنند از احساس رضایت و امنیت بالایی برخوردارند و کمتر دچار اضطراب و مشکلات روانی می شوند. در چنین خانواده هایی نیازهای عاطفی و روحی فرزندان به خوبی تأمین می شود و مهارت های زندگی اجتماعی به خوبی در آنها شکل خواهد گرفت. این، خود نقش بی بدیل استحکام خانواده را در اجتماع نمایان می سازد. چنین خانواده هایی در واقع نیروهای فعال، اثرگذار و ایده آلی را برای جامعه تربیت می کنند. داشتن زندگی سازگاران با همسر، به رعایت قواعدی در زندگی مشروط است. در این تحقیق، در پی کشف نظر قرآن در این زمینه هستیم. قرآن کریم با توجه به اهمیت فراوانی که برای خانواده و سازگاری همسران قایل است، به زن و شوهر برای ساختن زندگی ای آرام و صمیمی و به دور از هرگونه تنش توصیه هایی دارد. در این تحقیق از میان این توصیه ها، عوامل گرایشی را مورد بحث قرار می دهیم. این مقاله با روش تحلیلی - توصیفی، عوامل گرایشی سازگاری از دیدگاه قرآن کریم بررسی، و از روایات تفسیری نیز بهره گرفته شده است.

کلیدواژه ها: سازگاری، همسران، گرایشی، قرآن، ایمان، تقوا، اصلاح طلبی.

مقدمه

معنای عام در مثل «فَاعْمَلْ إِنَّا عَامِلُونَ» (فصلت: ۵) و در مورد خاص مانند «وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا» (کارگزاران زکات) (توبه: ۶۰) به کار رفته است. معنای موردنظر در این مقاله معنای عام لغوی عامل است که انواع مختلف امور اثرگذار را دربر می‌گیرد.

گرایش

در کتب لغت، «گرایش» را به تمایل، میل و رغبت معنا کرده‌اند (عمید، ۱۳۶۲، ص ۱۶۷۹). گرایش پیدا کردن، کار قلب انسان است و گرایش‌ها یکی از پایه‌های شکل‌گیری رفتار انسانند (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۵، ص ۳۰۹)؛ همچنان‌که «بینش و علم» کار ذهن و عقل انسان، و «رفتارها» کارهای صورت‌گرفته توسط اعضا و جوارح انسان است. برای مثال، انسانی که به شخصی رغبت و او را دوست دارد، هیچ‌گاه کاری را که او دوست ندارد، انجام نمی‌دهد. ایمان به خدا نوعی گرایش است که باعث می‌شود انسان مرتکب نافرمانی خداوند نشود. از همین رو، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: انسان مؤمن مادامی که ایمانش پایدار است هیچ گناهی را انجام نمی‌دهد و نافرمانی خدا نشانه‌ی خارج شدن ایمان از قلب اوست (صدوق، ۱۳۹۸ق، ص ۲۲۸ و ۲۲۹).

سازگاری

«سازگاری» در معنای عام، یعنی هم‌نوایی و همراهی با دیگری، که این دیگری می‌تواند شیء، حیوان یا انسان باشد. دو انسان با انگیزه‌های مختلف، ممکن است با یکدیگر همراه و هم‌نوا شوند. این انگیزه‌ها ممکن است کسب درآمد بیشتر، به دست آوردن موقعیت اجتماعی بهتر و... باشد. اما نکته مهم این است که هر هدفی که برای

ارتباط میان همسران نقش تعیین‌کننده‌ای در زندگی آنها دارد؛ چراکه از سویی، سهم عمده‌ای از روابط انسان‌ها را به خود اختصاص می‌دهد و از سوی دیگر، نقش تعیین‌کننده‌ای در دیگر روابط آنها دارد. کسانی که از احساس رضامندی زناشویی بالاتری برخوردارند روابط سالم‌تر و بهتری با دیگر اعضای جامعه برقرار می‌کنند، علاوه بر اینکه چنین خانواده‌ای بستری بسیار مناسب برای رشد و بالندگی فرزندان سالم‌تر و به دنبال آن، نیروی فعال پرنشاط برای جامعه می‌باشد.

با توجه به اینکه بیشتر منابع ناظر به حوزه سازگاری همسران به بررسی موضوع از منظر جامعه‌شناسی و روان‌شناسی پرداخته و اندک منابعی که به متون اسلامی توجه داشته‌اند نیز بر روایات متمرکز بوده و کمتر از آیات بهره گرفته‌اند، ضرورت بررسی موضوع با محوریت قرآن کریم و با روش تفسیر موضوعی دوچندان می‌گردد. در این نوشتار، تلاش شده است با روش استنادی و تحلیلی و با مراجعه موردی به آیات قرآن و برخی از تفاسیر معتبر، به این سؤال پاسخ دهیم که از منظر قرآن کریم عوامل گرایشی مؤثر در سازگاری همسران کدام‌اند؟

عوامل

«عوامل» جمع عامل، اسم فاعل از ماده عمل، است که در معنای عام و در مصادیق خاص به کار می‌رود. این واژه در علوم مختلف در مصادیق متفاوت و با واژگان معادل یونانی به کار رفته است. برای نمونه، در اقتصاد به کارگر در یک حرفه یا صنعت، و در جامعه‌شناسی به نیروهای اثرگذار، «عامل» گفته می‌شود. در کاربردی دیگر، به مسئولان و کسانی که عهده‌دار امور مردم هستند، عامل و کارگزار اطلاق می‌شود. در قرآن کریم نیز «عامل» در

ایشان ضمن گرایشی دانستن ایمان، آن را این‌گونه تعریف می‌کند: به هر حال، گرایش‌های والا و معنوی و فوق حیوانی انسان آن‌گاه که پایه و زیربنای اعتقادی و فکری پیدا کند نام ایمان به خود می‌گیرد. وی در ادامه می‌گوید: پس نتیجه می‌گیریم که تفاوت عمده و اساسی انسان با جانداران دیگر که ملاک انسانیت اوست و انسانیت وابسته به آن است علم و ایمان است (ر.ک: مطهری، ۱۳۷۱، ص ۱۱ و ۱۲).

مراد ما از ایمان در این بحث، ایمان به خداست. اگر کسی به خدا ایمان داشته باشد و رفتارهایش را بر اساس این ایمان سامان دهد، شاهد تأثیرات مثبت بسیاری در همه جوانب زندگی‌اش خواهد بود. از جمله آنها تأثیر ایمان بر چگونگی رفتار انسان با همسرش است. در آیات متعددی از قرآن کریم، ایمان به خداوند از عوامل سازگاری بین همسران شمرده شده است.

۱-۱. ایمان شرط لازم سازگاری

آیه شریفه ۲۲۱ بقره به صراحت مؤمنان را از ازدواج با کفار بازمی‌دارد و می‌فرماید: ﴿وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَلَئِمَّةٌ مُّؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَ لَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَ لَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَ لَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَ لَوْ أَعْجَبَكُمْ أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾ (بقره: ۲۲۱)؛ و با زنان مشرک و بت‌پرست، ازدواج نکنید مگر آنکه ایمان بیاورند (اگرچه جز به ازدواج با کنیزان، دسترسی نداشته باشید؛ زیرا) کنیز با ایمان، از زن آزاد بت‌پرست، بهتر است هرچند (زیبایی، یا ثروت، یا موقعیت او) شما را به شگفتی آورد. و زنان خود را به ازدواج مردان بت‌پرست درنیاورید مگر آنکه ایمان بیاورند! (اگرچه ناچار شوید آنها را به همسری

سازگاری در نظر گرفته شود دوام سازگاری نیز وابسته به همان هدف خواهد بود. دو شریکی که برای رسیدن به درآمد بیشتر نسبت به یکدیگر تعهداتی را می‌پذیرند، تنها تا زمانی بدان پایبندند که به آن سود موردنظر نرسیده باشند. به محض تحقق آن هدف، دیگر تعهدی برای ادامه رفتارهای سازگارانه وجود ندارد. منابع دینی ما هدف سازگاری خانواده را رضای خداوند معرفی می‌کنند که هدفی برتر و همواره قابل پی‌جویی است. بنابراین، منظور ما از سازگاری هر نوع صلح، آشتی، همنوایی و دوری از تنش است که برای رسیدن به یک هدف برتر، که همان رضایت خداوند است، انجام می‌گیرد و هدف‌های میانی و ابتدایی نیز در راستای آن هدف قرار می‌گیرد.

با توجه به مطالب فوق، روشن شد از میان عوامل مختلف سازگاری صرفاً عوامل گرایشی در این تحقیق بررسی می‌شود و از میان این عوامل نیز تنها عواملی که مورد تکیه قرآن کریم بوده است مورد بحث قرار می‌گیرند. مطابق دستاوردهای این پژوهش، این عوامل عبارتند از: ایمان، تقوا، امید به بهبود شرایط با عنایت خداوند، پاک‌دامنی و اصلاح‌طلبی.

۱. ایمان

ایمان، پیوند و دلبستگی به چیزی است که انسان آن را گاهی ناخودآگاه تصدیق و تأیید کرده است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۳۸۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۹۰). شهید مطهری پس از برشمردن ویژگی‌های انسان نسبت به حیوانات، این ویژگی‌ها را به دو مقوله علم و ایمان برمی‌گرداند و درباره علم می‌گوید: علم به معنی اعم - یعنی مجموعه تفکرات بشری درباره جهان که شامل فلسفه هم می‌شود - محصول کوشش جمعی بشر است که نظم خاص منطقی یافته است.

غلامان باایمان درآورید؛ زیرا) یک غلام باایمان، از یک مرد آزاد بت پرست، بهتر است هرچند (مال و موقعیت و زیبایی او)، شما را به شگفتی آورد. آنها دعوت به سوی آتش می‌کنند و خدا دعوت به بهشت و آمرزش به فرمان خود می‌نماید، و آیات خویش را برای مردم روشن می‌سازد، شاید متذکر شوند!

آیه شریفه می‌فرماید: به هیچ قیمتی یک مسلمان نباید با کافر ازدواج کند، هرچند آن کافر از بسیاری امتیازات دنیوی مثل ثروت، زیبایی و موقعیت اجتماعی بهره‌مند باشد. در ادامه می‌فرماید: این بدان خاطر است که آنها شما را به دوزخ و راهی که مورد رضایت خدا نیست دعوت می‌کنند. در واقع، آیه شریفه می‌فرماید: مسیر کلی زندگی مؤمن و کافر دو مسیر کاملاً متفاوت با مقصدهای متفاوت است؛ ازاین‌رو، این دو نمی‌توانند همسفر و همراه یکدیگر باشند؛ چراکه بر سر هر کدام از دو راهی‌های زندگی با تنش و چالش روبه‌رو خواهند شد و دایم با یکدیگر ناسازگاری خواهند داشت. در نتیجه، یا یکی از این دو از آیین خود دست برمی‌دارد تا بتواند با آرامش در کنار دیگری زندگی کند یا اینکه زندگی آنان همواره قرین نزاع و درگیری و اختلاف باقی خواهد ماند. از آنجاکه نگرهبانی از ایمان و همچنین وجود سازگاری در زندگی زناشویی از منظر قرآن کریم امری بایسته است (برای نمونه ر.ک: ۲۱ روم؛ ۳۴، ۳۵، ۲۸، ۱۲۹ نساء)، قرآن کریم همراه شدن این دو را در زندگی مشترک اجازه نمی‌دهد. به بیان دیگر، ازدواج با کافر دو پیامد مهم دارد که خداوند با توجه به آنها مؤمنان را از ازدواج با کفار بازداشته است:

الف. پیامد اخروی؛ ازدواج با کافر مقدمه از دست رفتن دین و ایمان انسان است.

ب. پیامد دنیوی؛ چنین ازدواجی مانع آن است که زن

و شوهر بتوانند با آرامش در کنار یکدیگر زندگی کنند. روشن است که پیامد اول می‌تواند دلیل اصلی برای حکم حرمت ازدواج مؤمن با کافر باشد؛ چراکه دین گران‌بهارترین گوهر وجود آدمی است و قرآن کریم هرگز از بین بردن و در معرض نابودی قرار دادن آن را برنمی‌تابد؛ ولی ناسازگاری همسران نیز می‌تواند به عنوان هدف فرعی مدنظر خداوند باشد.

با دو استدلال، می‌توان پی برد که پیامد دوم هم می‌تواند موردنظر آیه شریفه باشد:

استدلال اول: این استدلال دارای چند مقدمه است:

۱. رابطه زناشویی عمیق‌ترین، دایمی‌ترین و مهم‌ترین رابطه‌ای است که بین دو نفر در اجتماع برقرار می‌شود. و فضایی است که بیشترین خواسته‌های افراد از یکدیگر در آن برطرف می‌شود؛ ازاین‌رو، باید بین افراد آن پیوند قلبی برقرار باشد.

۲. زن و شوهر، به سبب عمق و دوام رابطه‌ای که با یکدیگر دارند، شدیداً تحت تأثیر یکدیگرند.

۳. انسان‌ها تنها زمانی می‌توانند با یکدیگر پیوند عمیق عاطفی برقرار کنند که در باورهای اساسی خود با یکدیگر همسو باشند؛ چراکه اختلاف در آنها باعث بروز اختلافات عمیق و پایدار خواهد شد (ر.ک: زارعی و عبداللهی، ۱۳۸۷، ص ۹۸؛ ایزدی‌فر، ۱۳۸۲، ص ۲۰؛ آقامحمدیان و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۱۷۵).

۴. انسان‌ها شدیداً به باورهای اساسی خود، مثل باورشان نسبت به مبدأ و منتهای جهان، دلبسته‌اند و کارها و تعاملات اجتماعی‌شان بر آن استوار است.

با توجه به مقدمات بالا، یک زن و مرد که در اساسی‌ترین باور زندگی خود (که همه زندگی‌شان متأثر از آن است؛ یعنی باور درباره مبدأ جهان) با هم اختلاف نظر دارند نمی‌توانند به راحتی و آرامش به زندگی مشترک

یکدیگر بیشتر باشد احتمال سازگاری شان بیشتر است. برای مثال، احتمال سازگاری دو مسلمان از آن جهت که هر دو به یک اعتقاد پایبند هستند، بیش از یک مسلمان و اهل کتاب است یا احتمال سازگاری دو نفر شیعه از همان جهت بیش از یک شیعه و یک اهل سنت است.

از مؤیدات این مطلب هم این است که قرآن کریم در موارد متعددی از روابط زن و شوهر، نقش دین را به آنها یادآور می‌شود و روابط آنها را با آن عجین می‌کند. قرآن کریم در آیه ۲۲۳ «بقره» حتی در زمینی‌ترین نوع رابطه زن و شوهر که همخوابی است بدانها تذکر می‌دهد که اولاً، این کارتان را هم در راستای ایمانتان قرار داده، غرضتان از آن را چیزی که خدا می‌پسندد، یعنی تولید نسل، قرار دهید، نه صرفاً ارضای شهوت و ثانیاً، در ذیل آیه، آنها را به رعایت تقوای الهی توصیه می‌کند (ر.ک: بقره: ۲۲۳).

حتی اگر آیه شریفه تنها بر آن دلالت داشته باشد که عدم جواز ازدواج با غیرمؤمنان به دلیل تأثیری است که در انحراف عقیدتی زن یا مرد مسلمان پیش می‌آید، باز هم می‌توان آیه را مؤید نقش ایمان در سازگاری خانوادگی دانست؛ زیرا دلالت بر آن دارد که زن و مرد می‌توانند در مهم‌ترین شأن زندگی یکدیگر، یعنی اعتقادات، اثرگذار باشند و طبعاً این اثرگذاری در سازگاری خانوادگی هم به طریق اولی وجود دارد.

۲. تقوا

تقوا ملکه‌ای نفسانی است که انسان را به سمت خوبی‌ها سوق داده، از بدی‌ها باز می‌دارد. تقوا از امور رفتاری نیست، بلکه از امور گرایشی است. از این‌روست که قرآن کریم آن را به قلب که مرکز گرایش‌ها در وجود انسان است نسبت داده است. علامه طباطبائی ذیل آیه ﴿ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾ (حج: ۳۲)

ادامه دهند و به یک زندگی آرام و پایدار برسند. از این‌رو، یا باید با همدیگر در اعتقاد هماهنگ شوند یا اینکه از خیر آرامش و پایداری زندگی بگذرند.

از منظر قرآن کریم، چون هر دوی این مؤلفه‌ها مهم شمرده می‌شود، از این‌رو، راه سومی را توصیه می‌کند و آن، دفع این مشکل به صورت اساسی است. قرآن به پیروان خود اجازه نمی‌دهد که با غیرهمکیشان خود پیوند زناشویی برقرار کنند (ر.ک: سیدبن قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۴۰). **استدلال دوم:** اگر از نگاه قرآن، سازگاری میان همسران مهم نبود و تنها دلیل بازداشتن از این ازدواج در خطر بودن دین مسلمانان بود، لازم نبود از ازدواج با کفار باز دارد، بلکه می‌توانست به صورت مشروط آن را روا بدارد؛ بدین صورت که بفرماید: اگر کسی از در امان ماندن دینش اطمینان داشت می‌تواند با کافر ازدواج کند.

از آنجاکه در فرض مذکور هرچند دین مسلمانان محفوظ خواهد ماند، اما ناگزیر زندگی‌ای قرین اضطراب و نگرانی برایش رقم خواهد خورد؛ از این‌رو، قرآن اجازه نمی‌دهد مسلمانان به چنین ازدواجی تن دهند.

براین اساس، روشن می‌شود که قرآن کریم تأثیر همسانی اعتقادات همسران در سازگاری را پذیرفته است. و از آنجاکه در قرآن کریم تنها عاملی که باعث بازداشتن از چنین ازدواجی شده، هم‌کیش نبودن زن و شوهر است، می‌توان نتیجه گرفت این عامل مهم‌ترین عامل سازگاری از منظر قرآن کریم است. مؤید دیگر این مدعا این است که کتابی که در سراسر آیات مربوط به همسران، آنها را به سازگاری دعوت می‌کند، در یک جا با شدیدترین لحن دستور جدا شدن همسران از یکدیگر را می‌دهد و آن، جایی است که یکی از آن دو کافر شود (ر.ک: ممتحنه: ۱۰).

از این مطلب شاید بتوان تعمیمی را استفاده کرد که هرچه هماهنگی همسران در اعتقادات اساسی‌شان با

می فرماید: «اضافه شدن تقوا به قلوب، اشاره به این مطلب است که حقیقت تقوا که دوری از سخط الهی و ورع از محرمات الهی است، امری معنوی است که به قلب و نفس برمی گردد نه آنکه همین صورت حرکات و سکنات انسان باشد» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص ۳۷۴).

در قرآن کریم آثار مهمی برای رعایت تقوا بیان شده است. از جمله این آثار، برقرار شدن رابطه سازگارانه بین دو همسری است که خویشن دارانه در کنار یکدیگر زندگی می کنند. این مطلب در آیاتی از قرآن کریم به چشم می خورد.

۲-۱. سامان بخش دنیا و آخرت

آیات ۷۰ و ۷۱ سوره «احزاب» در بردارنده توصیه هایی به مؤمنان است. از جمله آنها، توصیه به رعایت تقوا و گفتار متقن است. پس از توصیه به این امور، نتیجه عمل به این دستورات را چنین بیان می کند: کسانی که بدان ها عمل کنند گناهانشان آمرزیده و کارهایشان اصلاح خواهد شد:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِغِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴾ (احزاب: ۷۰-۷۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! تقوای الهی پیشه کنید و سخن حق بگویید... تا خدا کارهای شما را اصلاح کند و گناهانتان را ببامرزد و هر کس اطاعت خدا و رسولش کند، به رستگاری (و پیروزی) عظیمی دست یافته است!

درباره چگونگی ارتباط این چهار امر (تقوا، گفتار متقن، اصلاح اعمال و بخشش گناهان) با یکدیگر، سخنان گوناگونی گفته شده است. به تناسب بحث، جنبه هایی از ارتباط این امور با یکدیگر بیان می شود.

آیا مقصود از اصلاح اعمال، اعمال اخروی و ناظر به رابطه انسان با خداست یا آنکه شامل اعمال دنیوی و ناظر به رابطه انسان با خود، دیگران و طبیعت هم می شود و

تقوا و قول سدید همه اعمال انسان را اصلاح می کند؟ هر دو پاسخ، در میان سخنان مفسران دیده می شود: برای نمونه، مرحوم امین الاسلام فقط به تأثیرات دسته اول اشاره کرده و می فرماید: مراد آیه شریفه این است که اگر تقوا پیشه کنید خدا اعمالتان را اصلاح می کند؛ بدین صورت که به شما لطفی می کند و به سبب آن، در طریق مستقیم قرار می گیرید (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۸۴). در مقابل، علامه فضل الله به تأثیر حداکثری تقوا در اصلاح امور دنیا و آخرت اشاره کرده، می گوید: اگر بنا شود در جزئیات رعایت تقوا و قول سدید دقت شود، معنای آیه شریفه این است که تقوا رابطه میان مردم را اصلاح می کند و خطایشان را اصلاح می کند؛ دیگران را به ظلم ستیزی و عدل گستری فرامی خواند؛ بندگان خدا را از اسارت در دست زورگویان نجات می دهد؛ از تفرقه در صفوف حق طلبان جلوگیری می کند و... در این صورت، قطعاً کارهای شما اصلاح می شود. بر اساس قول اخیر، گستردگی معنای اصلاح در آیه شریفه شامل سازگاری همسران هم می شود و یکی از اثرات تقوا، اصلاح رابطه انسان با همسرش خواهد بود (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۸، ص ۳۵۹).

از میان این دو قول، کلام اخیر دقیق تر است؛ چراکه: اولاً، با ظاهر عموم «اعمالکم» سازگارتر است. ثانیاً، با به کارگیری واژه «اصلاح» نیز سازگارتر است؛ زیرا اگر مقصود اصلاح اعمال ناظر به رابطه انسان با خدا بود، بهتر آن بود که می فرمود: خداوند اعمال را می پذیرد یا پاداش می دهد.

ثالثاً، این سخن با توجه به آیات دیگری که آثار تقوا را بیان می کند تأیید می شود. برای نمونه، خداوند راه برون رفت از مشکلات، رساندن روزی از راهی که انسان گمان به آن هم ندارد و آسان سازی امور را از آثار تقوا برمی شمارد. و این آثار، قطعاً ناظر به آثار دنیوی نیز هستند (طلاق ۲-۴).

است. برخی این رابطه را نوعی رابطه قراردادی و جعلی دانسته‌اند؛ مشابه آنچه در یک مسابقه اتفاق می‌افتد و به کسی که به مقام نخست دست پیدا کند جایزه‌ای داده می‌شود. آیه شریفه هم می‌فرماید: اگر شما تقوا پیشه کنید در عوض، خداوند به شما چنین پاداشی می‌دهد. این پاداش ایجاد سازگاری میان انسان و همسرش می‌باشد (ر.ک: ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۲۱، ص ۳۴۳؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۴، ص ۲۵۳). در مقابل، برخی این رابطه را رابطه‌ای حقیقی قلمداد کرده، نتیجه طبیعی تقوا و قول سدید را اصلاح اعمال شمرده‌اند (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۸، ص ۳۵۹). از این تحلیل می‌توان برای بیان چگونگی تأثیر تقوا و قول سدید در سازگاری کمک گرفت.

انسانی که با تقواست، به همسرش ستم نمی‌کند؛ به حق خودش قانع است؛ از کوتاهی‌های همسرش می‌گذرد؛ زود عصبانی نمی‌شود؛ زیبا و منطقی سخن می‌گوید و... همه اینها و بسیاری دیگر از آثار تربیتی تقوا و قول سدید که بیان‌ش در این گفتار نمی‌گنجد، می‌تواند از عوامل مؤثر در سازگاری همسران با یکدیگر باشد؛ بلکه با تأملی در معنای تقوا و یافتن مصادیق آن در زندگی زناشویی، می‌توان آن را به عنوان ریشه بسیاری از عوامل سازگاری دانست.

با توجه به آنچه گذشت، می‌توان تقوا را دارای دو نوع اثر مهم در سازگاری دانست:

اولاً، اثری که ناظر به رفتارهای خود همسران است. تقوا باعث می‌شود در میان رفتارهای زن و شوهر عوامل سازگاری تقویت شده و عوامل ناسازگاری از بین برود. ثانیاً، اثری که ناظر به عوامل بیرونی است. تقوا باعث می‌شود خداوند عوامل دارای تأثیر منفی در سازگاری همسران را که در اختیار آنها نیست از بین ببرد و عوامل مثبت را تقویت کند.

شاید بتوان از این فراتر رفته، آیه را شامل گستره بیشتری از کارها دانست؛ بدین بیان که گفته شود: اگر شما تقوای الهی و قول سدید داشته باشید خدا حتی کارهایی را که در حیطه اختیار شما نیست مطابق صلاح شما سامان می‌دهد. برای مثال، اگر انسان به خاطر خدا نماز اول وقت بخواند، خداوند برنامه او را در آن روز بسامان می‌کند تا بتواند به این هدف برسد. این مطلب، هم با عموم «اعمالکم» سازگار است و هم به وسیله آیات و روایات تأیید می‌شود. قرآن کریم در آیه ۲ سوره «طلاق» می‌فرماید: «و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند... و کار را بر او آسان می‌سازد!» بدین بیان که راه برون‌رفت از مشکلات بعضاً به صورتی است که خداوند در کارهایی تصرف می‌کند که از دسترس انسان خارج است؛ یا روزی رساندن از جایی که انسان گمان نمی‌کند و آسان‌سازی امور. امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرماید: کسی که خدا را بندگی کند، خداوند همه چیز را به فرمان او درآورد (امام عسکری علیه السلام، ۱۴۰۹ق، ص ۳۲۷؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶۸، ص ۱۸۴). طبق این بیان، رعایت تقوای الهی و قول سدید باعث می‌شود که خداوند آنچه را باعث ناسازگاری با همسر شده و خارج از اختیار است از بین ببرد یا عوامل لازم برای آن را ایجاد کند.

این در صورتی است که تعمیم اخیر پذیرفته شود. در غیر این صورت، دایره تأثیر این دو عامل کوچک‌تر خواهد شد و فقط ناظر به اعمال و رفتار خود همسران خواهد بود.

۱-۲. چگونگی تأثیر تقوا در سازگاری: اکنون نوبت تحلیل چگونگی تأثیر این دو عامل در سازگاری است. با نگاهی جامع‌تر، پاسخ به این سؤال است که کیفیت تأثیر تقوا و قول سدید در اصلاح اعمال چیست؟

به صورت کلی، در این باره هم دو نوع ارتباط بیان شده

۳. امید به بهبود شرایط با عنایت خداوند

وقتی انسان گمان داشته باشد که در آینده نعمتی نصیب او خواهد شد که از آن لذت می برد و بهره مند می شود، از این اندیشه، احساس خوب و حالت مطلوب و شیرینی به وی دست می دهد که ما آن را رجاء و امید می نامیم (مصباح، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۳۴۹). چنین گمانی قطعاً در رفتار و منش انسان اثرگذار خواهد بود. امید به آینده ای روشن، انسان را به پویایی واداشته، او را به پیمودن هرچه سریع تر راهی که در پیش گرفته تشویق می کند (همان، ص ۳۵۰). به همین جهت است که پیامبر خدا داشتن امید را شرط لازم اقدام به هر کاری دانسته اند. ایشان می فرمایند: «الْأَمَلُ رَحْمَةٌ لِأُمَّتِي وَ لَوْ لَا الْأَمَلُ مَا رَضَعَتْ وَالِدَةٌ وَلَدَهَا وَ لَأُغْرَسَ غَارٌ شَجَرًا» (دیلمی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۹۵)؛ امید رحمت خداوند بر امت من است و اگر امید نبود، هیچ مادری فرزند خود را شیر نمی داد و هیچ باغبانی درختی را نمی کاشت. خداوند برای ایجاد سازگاری بین همسران، از این کارویژه امید بهره گرفته است و سعی کرده همواره چراغ امید به آینده ای روشن را در دل آنها زنده نگه دارد. این مطلب با مروری بر آیات مربوط به همسران در قرآن کریم به روشنی یافت می شود.

توصیه هایی که تاکنون برای ایجاد یا تقویت سازگاری از قرآن کریم بیان شد، توصیه هایی بود که با توجه به عبارتی از قرآن کریم استخراج شده بود؛ اما این توصیه نه از دقت در یک عبارت خاص، بلکه با نگاهی کلی و جامع به آیات مرتبط با بحث سازگاری به دست آمده است.

با مروری در آیات مرتبط با موضوع سازگاری، روشن می شود قرآن کریم از زمانی که بیم ناسازگاری همسران هست تا زمانی که آنها از یکدیگر جدا شده اند ولی امکان برگشت آنها به زندگی مشترک وجود دارد، دایم به آنها راه کارهایی را برای جلوگیری از ناسازگاری یا از بین بردن

آن ارائه می کند (ر.ک: نساء: ۳۴، ۴۵، ۱۲۸ و ۱۲۹). با دقت در این سیر، روشن می شود از دید قرآن، در هر شرایطی، حتی در سخت ترین شرایط، برای رسیدن به قله سازگاری راهی طراحی شده. قرآن کریم حتی در زمانی که ناسازگاری به بالاترین حد خود رسیده است و باعث شده که همسران از یکدیگر جدا شوند، باز راهی را به آنها نشان می دهد که نهایتش ایجاد سازگاری بین آنهاست (ر.ک: طلاق: ۶). خداوند درباره همسرانی که از هم جدا شده اند توصیه می کند مرد و زن در دوران عده باید در منزل مشترک زندگی کنند و حق ندارند از یکدیگر جدا شوند؛ ضمناً اگر زن باردار است، باید تا زمان به دنیا آمدن فرزندشان در منزل مشترک زندگی کنند و حتی توصیه می کند که مسئولیت شیردهی فرزند را خود مادر بر عهده بگیرد: «أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أَوْلَاتٍ فَأَنَّفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأَنْتُمْ رَا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاَسَرْتُمْ فَمَنْزِلَةٌ لَكُمْ مِنْ فَتْرَتِكُمْ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا بِرَبِّكُمْ فَارْتَدُوا بِأَنْفُسِكُمْ إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَتِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَنْ يَذَّكَّرُ عَنْهَا رَبُّكُمْ إِنَّمَا وَضَعْتُهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (طلاق: ۶)؛ آنها [زنان مطلقه] را هر جا خودتان سکونت دارید و در توانایی شماست سکونت دهید و به آنها زیان نرسانید تا کار را بر آنان تنگ کنید (و مجبور به ترک منزل شوند) و اگر باردار باشند، نفقه آنها را بپردازید تا وضع حمل کنند و اگر برای شما (فرزند را) شیر می دهند، پاداش آنها را بپردازید (درباره فرزندان، کار را) با مشاوره شایسته انجام دهید و اگر به توافق نرسیدید، آن دیگری شیردادن آن بچه را بر عهده می گیرد.

طبیعی ترین و بدیهی ترین نتیجه دقت در این روند، زنده شدن روح امید به حل مشکلات و از بین رفتن موانع سازگاری است.

قرآن کریم در کنار راه کارهایی که به صورت توصیه به همسران ارائه کرده، برخی عوامل مؤثر در رفع ناسازگاری را

می فرماید: هرچند الان اوضاع وفق مراد شما نیست، اما چنان نماند و چنین نیز هم نخواهد ماند. از همه مهم تر، اینکه این تغییر اوضاع را مستند به خداوند می کند. ظرافتی که در این تعبیر نهفته، این است که انسان ممکن است در شرایطی تصمیم به جدایی بگیرد که به زعم خود راهی برای برقراری مجدد سازگاری پیدا نکرده است. قرآن کریم می فرماید: ممکن است این راه به وسیله خداوند قادر متعال پیش پای شما قرار داده شود. اینکه صرفاً به انسان وعده داده شود: «انشاء الله اوضاع بهتر خواهد شد»، خیلی متفاوت است با اینکه به او گفته شود: «شاید خدا راهی پیش پای شما بگذارد». بیان دوم، آرام بخش تر و امیدوارکننده تر است.

این امید چند اثر دارد: نخست آنکه این امر مانع از شدت گرفتن ناسازگاری و منجر شدن کار به جدایی می شود. دوم آنکه انسان برای رفع مشکل امید می بخشد که خود این امید انرژی آفرین است و می تواند فرایند رفع ناسازگاری را سرعت بخشد.

۲-۳. امید به رقم خوردن شرایطی جدید

در آیه اول سوره «طلاق»، خداوند ابتدا به همسران دستور می دهد که پس از اینکه از یکدیگر طلاق گرفتید باید در یک منزل با یکدیگر زندگی کنید. در ادامه می فرماید: تو نمی دانی، شاید خداوند بعد از این، وضع تازه و وسیله اصلاحی فراهم کند: «يَا أَيُّهَا النَّسِيُّ إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلُّوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبِينَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا» (طلاق: ۱)؛ ای پیامبر! هر زمان خواستید زنان را طلاق دهید، در زمان عده، آنها را طلاق گوید [زمانی که از عادت ماهانه پاک

عملاً ایجاد کرده است؛ یعنی این فرایند را به گونه ای طراحی کرده است که این عامل خواه ناخواه موجود باشد. و امید به بهبود شرایط از این عوامل است. شاید از همین جا بتوان تأثیری بدلیل این عامل رانست به بقیه عوامل نتیجه گرفت. آنچه در این میان نقشی اساسی ایفا می کند این است که قرآن کریم برای امیدبخشی به همسران دایم توجه آنها را به قدرت بی حد الهی جلب می کند. از طرفی می فرماید: «قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا»؛ برای هر چیز اندازه ای است؛ یعنی هیچ مشکلی غیر قابل حل نیست. از سوی دیگر، می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ بِأَلْعَامِ أَمْرِهِ»؛ خداوند به انجام رساننده اراده خود است، و همچنین می فرماید: «لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا»؛ شاید خدا بعد از این وضع تازه و وسیله اصلاحی فراهم سازد و می فرماید: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا»؛ اگر کسی تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجات از مشکلات را به او می نمایاند. برای انسان متقی هیچ بن بست و وجود ندارد. تمام مشکلات با دست قدرت الهی حل خواهد شد. امیدی که پشتوانه اش تکیه به چنین نیروی قدرتمندی باشد هرگز خللی نخواهد یافت.

در ادامه، به دو نمونه از این موارد اشاره می شود:

۱-۳. امید به خیرخواهی خداوند

خداوند در ذیل آیه ۱۹ سوره «نساء» خطاب به مردانی که قصد جدا شدن از همسرشان را دارند می فرماید: «فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» (نساء: ۱۹)؛ و اگر از آنها، به جهتی کراهت داشتید، (فوراً تصمیم به جدایی نگیرید!) چه بسا چیزی خوشایند شما نباشد، و خداوند خیر فراوانی در آن قرار می دهد! یکی از مطالبی که از این بیان شریف قابل استفاده است این است که این کلام، سخنی امیدبخش است.

امید به قدرت بی‌حد الهی داشته باشند و در سایه این امید، به تلاش برای فراهم آمدن شرایط مناسب برای ادامه زندگی مشترک بپردازند.

۴. پاک‌دامنی

پاک‌دامنی معادل فارسی عفاف است. البته این کلمه معادل دقیقی برای این واژه نیست. عفاف یعنی: خودداری و کف نفس از کار ناپسند و غلبه شهوت. کلام راغب اصفهانی صراحت در گرایش بودن پاک‌دامنی دارد. وی عفت را این‌گونه تعریف می‌کند: «الْعَفَّةُ: حَاصِلُ حَالَةِ اللَّتْفِيسِ تَمْتَنِعُ بِهَا عَنِ غَلْبَةِ الشَّهْوَةِ»؛ (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۷۳؛ ر.ک: ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۳)؛ عفت یک حالت و گرایش نفسانی است، نه آن نمود بیرونی رفتاری. با توجه به گوناگونی شهوت‌ها و امیال انسان. این واژه در موارد متعددی به کار می‌رود. برای نمونه، این واژه درباره فقیری که قناعت کرده است و دست جلوی دیگری دراز نمی‌کند و همچنین درباره ثروتمندی که اموالش را تنها بر اساس میل خود خرج نکرده و ملاحظه دستورات دینی را نیز می‌کند به کار می‌رود (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۸، ص ۱۸۰). در فارسی، به خویشتن‌داری در برابر تمایلات جنسی پاک‌دامنی گفته می‌شود (عمید، ۱۳۶۲، ص ۴۲۷). در منابع دینی ما پاک‌دامنی بسیار مهم دانسته شده، بر آن تأکید شده است. برای نمونه، آن را برترین عبادت دانسته‌اند (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۷۹) و در مقابل، اهتمام نداشتن به آن را یکی از مهم‌ترین عوامل گمراهی مسلمانان شمرده‌اند (همان).

این تأکید بر پاک‌دامنی به جهت اثرات بسیار مهمی است که در زندگی فردی و اجتماعی انسان دارد. از جمله آثار اجتماعی آن، ایجاد سازگاری بین همسران و استحکام بخشیدن به نهاد خانواده است. از جمله آیاتی از

شده و با همسرشان نزدیکی نکرده باشند]، و حساب عدّه را نگه دارید و از خدایی که پروردگار شماست بپرهیزید؛ نه شما آنها را از خانه‌هایشان بیرون کنید و نه آنها (در دوران عدّه) بیرون روند، مگر آنکه کار زشت آشکاری انجام دهند. این حدود خداست، و هر کس از حدود الهی تجاوز کند به خویشتن ستم کرده؛ تو نمی‌دانی، شاید خداوند بعد از این، وضع تازه (و وسیله اصلاحی) فراهم کند!

مراد از وضع تازه‌ای که قرار است خداوند فراهم کند همین است که شرایط را برای برگشت همسران به زندگی مشترک فراهم کند (ر.ک: زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۵۵؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰، ص ۵۶۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۴۵۸؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۳۱۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۴، ص ۲۲۳).

توصیه به جدا نکردن محل زندگی، یکی از تدابیری است که قرآن به منظور حفظ بنیان خانواده اندیشیده است (ر.ک: طلاق: ۶). در ادامه و در گام بعد، برای نیل به این هدف، به آنها نسبت به رعایت حدود الهی (از جمله همین دستور) هشدار می‌دهد و در انتها برای رفع نگرانی روانی همسران، بدانها یادآوری می‌کند که به خداوند امید داشته باشند. گویی این جمله اخیر در واقع، پاسخ به دغدغه و نگرانی‌ای است که همسران بعد از شنیدن این فرمان الهی برایشان ایجاد می‌شود. به طور معمول، وقتی کار همسران به جدایی می‌کشد، دیگر همه راه‌های اصلاح را بسته می‌بینند و خود را قادر به برقراری مجدد یک رابطه صمیمانه و به دور از تنش با همسرشان نمی‌بینند. از طرفی، می‌بینند خداوند از آنها می‌خواهد که به زندگی مشترک برگردند. اینجاست که توصیه الهی به بازگشت، و ناتوان دیدن خود برای اجرای این توصیه الهی، آنها را نگران می‌کند؛ چراکه هیچ امیدی به بهبود اوضاع ندارند. خداوند برای رفع این نگرانی، به آنها توصیه می‌کند که

سازگاری است، نمی‌باشد؛ از این رو، می‌توان این اصطلاح را، دست‌کم در ادبیات دینی، بهترین واژه برای معرفی زنان ناسازگار دانست و در مقابل، زنان صالح را که در آیه شریفه به عنوان دسته مقابل زنان ناشز معرفی شده‌اند، به عنوان زنان سازگار قلمداد کرد.

آیه شریفه پس از تقسیم زنان به دو دسته زنان سازگار و ناسازگار، برای زنان دسته اول چند صفت را برمی‌شمارد. برشمردن این صفات برای این زنان، به این مطلب اشاره دارد که همین صفات باعث شده آنان سر ناسازگاری برنداشته و ناشزه نشوند. از این رو، این صفات را می‌توان از علل سازگاری دانست. این صفات عبارتند از: صالح و قانت بودن و حفاظت از غیب. برای روشن شدن معنای این ترکیب (حافظات للغیب) نظر مفسران را بررسی کرده‌ایم.

برخی از مفسران می‌گویند: از آنجا که غیب خلاف شهادت است، «حافظات للغیب» یعنی: در غیبت زوج، بر همه حقوق او محافظت می‌کند؛ اعم از حفظ خود از زنا، حفظ مال شوهر و حفظ خانه زوج از هر آنچه او نمی‌پسندد. سپس به روایتی از پیامبر دال بر همین معنا استشهاد می‌کنند که در تفسیر این آیه فرمودند: «خیر النساء إن نظرت إلیها سرتک و إن أمرتها إطاعتک و إن غبت عنها حفظتک فی مالک و نفسها» (ر.ک: فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰، ص ۷۱)؛ بهترین زن کسی است که نگاه به او شادمانت کند، اگر به او دستور بدهی اطاعت کند و در نبود تو از خودش و اموال تو مراقبت کند.

با توجه به اطلاق کلمه «حافظات» این آیه ناظر به پاک‌دامنی زنان نیز هست؛ از این رو، می‌توان گفت که قرآن پاک‌دامنی زنان را یکی از علل سازگاری همسران می‌شمارد (با توجه به اطلاق معنای فلاح در آیه اول سوره «مؤمنون»، این آیه را نیز می‌توان از آیاتی دانست که بر تأثیر پاک‌دامنی در سازگاری همسران دلالت دارد).

قرآن کریم که می‌توان به عنوان شاهدهی بر این سخن بدان اشاره کرد آیه ۳۴ سوره «نساء» است. در این آیه، چند ویژگی زنان که در سازگاری آنها با شوهرانشان مؤثر است شمرده شده است: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنِ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا»؛ مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، به خاطر برتری‌هایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است، و به خاطر انفاق‌هایی که از اموالشان (در مورد زنان) می‌کنند. و زنان صالح، زانی هستند که متواضعند، و در غیاب (همسر خود)، اسرار و حقوق او را، در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، حفظ می‌کنند. و (اما) آن دسته از زنان را که از سرکشی و مخالفتشان بیم دارید، پند و اندرز دهید! (و اگر موثر واقع نشد،) در بستر از آنها دوری نمایید! (و اگر هیچ راهی جز شدت عمل، برای وادار کردن آنها به انجام وظایفشان نبود،) آنها را تنبیه کنید! و اگر از شما پیروی کردند، راهی برای تعدی بر آنها نجوید! (بدانید) خداوند، بلندمرتبه و بزرگ است. (و قدرت او، بالاترین قدرت‌هاست).

خداوند در این آیه، زنان را به دو دسته تقسیم می‌کند: زنان صالح و زنان ناشز. «ناشز» یعنی کسی که تعمداً از انجام وظایف خود در قبال همسرش سر باز زده، بنای ناسازگاری دارد (ر.ک: جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۸۹۹؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۴۳۰ و ۴۳۱؛ فیروزآبادی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۹۴؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۳۱۲؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۶، ص ۲۳۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۰۶). چنین زنی هرگز به دنبال صلح و همنوایی با همسرش، که از اساسی‌ترین مؤلفه‌های

۵. اصلاح طلبی

با توجه به اینکه مشکل اصلی مطرح در این آیات، همان ناسازگاری آنهاست، که باعث شده تصمیم به جدایی بگیرند، ناگزیر، توصیه‌های قرآنی ناظر به همین مشکل و برای حل همین مشکل بیان شده است. از این رو، با توجه به این مطالب می‌توان این توصیه‌ها را در رفع ناسازگاری کارا دانست. می‌توان از کلام علامه طباطبائی برداشت کرد که ایشان هم این توصیه‌ها را مؤثر در رفع ناسازگاری زوجین می‌داند (ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۳۳). در این آیات، همسران به چند امر توصیه شده‌اند که مورد اول، همین اصلاح طلبی است، و موارد دیگر، التزام به حقوق همسر و رفتار بر اساس معروف. بنابراین، بر اساس این آیات، اصلاح طلبی را می‌توان یکی از عوامل سازگاری همسران از منظر قرآن کریم دانست.

۵-۲. اصلاح طلبی زمینه‌ساز فرام آمدن شرایط

مساعد

آیه ۳۵ «نساء» یکی از چند آیه‌ای است که سازوکار پیشنهادی قرآن برای رفع اختلاف را ذکر می‌کند: ﴿وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَأَبْعُثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِمَا مِنْ أَهْلِهِمَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا﴾؛ و اگر از جدایی و شکاف میان آن دو (همسر) بیم داشته باشید، یک داور از خانواده شوهر، و یک داور از خانواده زن انتخاب کنید (تا به کار آنان رسیدگی کند). اگر این دو داور، تصمیم به اصلاح داشته باشند، خداوند به توافق آنها کمک می‌کند؛ زیرا خداوند، دانا و آگاه است (و از نیات همه، باخبر است).

در ضمن بیان این سازوکار، به یکی از شرایطی که همسران باید داشته باشند تا فرایند رفع ناسازگاری به سرانجام برسد اشاره شده. این شرط همان اصلاح طلبی همسران است.

اصلاح طلبی یعنی زن و شوهر به واقع در پی رفع مشکل و برقراری یک رابطه سازگارانه باشند و برای رسیدن به آن تلاش کنند.

قرآن کریم به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل سازگاری به اصلاح طلبی همسران اشاره می‌کند و آن را شرط اساسی سازگاری می‌داند. در واقع، رسیدن به این هدف، وقتی دست‌یافتنی است که هر کدام از زن و شوهر به جد به دنبال اصلاح رابطه‌شان بوده و برای آن تلاش کنند. این مطلب در چند آیه قرآن کریم به چشم می‌خورد.

۵-۱. اصلاح طلبی اولین گام سازگاری

آیات ۲۲۳ تا ۲۳۲ سوره «نساء» راجع به همسرانی است که قصد دارند از یکدیگر جدا شوند. خداوند به صورت تلویحی در این آیات، ابتدا آنان را ترغیب می‌کند که به زندگی‌شان ادامه دهند و آهنگ جدایی نکنند (بدین بیان که طبق دو آیه ۲۲۶ و ۲۲۷ کسانی که راه بازگشت به زندگی زناشویی را برمی‌گزینند با خدای غفور و رحیم مواجه خواهند بود، ولی کسانی که راه طلاق را برمی‌گزینند با خدای شنوا و دانا روبه‌رو خواهند بود) و بیان می‌دارد که قرآن ادامه زندگی مشترک را بر جدا شدن ترجیح می‌دهد. سپس برای برگشت به زندگی پیشنهادهایی به آنها ارائه می‌کند که با توجه به قرائنی، می‌توان این پیشنهادها را از عوامل مؤثر در رفع ناسازگاری آنها دانست؛ چراکه:

اولاً، سازگاری بین همسران یکی از ایده‌آل‌های زندگی زناشویی از منظر قرآن است (ر.ک: نساء: ۱۹، ۳۴، ۳۵، ۱۲۸ و ۱۲۹؛ روم: ۲۱؛ طلاق: ۱-۴).

ثانیاً، قرآن کریم در این آیات ضمن دعوت همسران به زندگی، بدان‌ها توصیه‌های می‌کند.

خداوند در اثنای این آیه شریفه می‌فرماید: ﴿إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا﴾ یعنی اگر همسران واقعاً دنبال اصلاح باشند خدا رابطه میان آنها را اصلاح کرده، میانشان وفق و مدارا برقرار می‌کند؛ یعنی شرط توفیق الهی، نیت صادقانه آنها برای برگشت به کانون خانواده است. در مرجع هر کدام از دو ضمیر «یریدا» و «بینهما» دو احتمال هست که به زوجین برگردد یا حکمین که چهار صورت پیدا می‌کند و فخررازی هر چهار وجه را ممکن شمرده، هیچ‌یک را ترجیح نمی‌دهد، اما زمخشری و علامه طباطبائی ضمیر در «یریدا» را به حکمین برمی‌گردانند و «بینهما» را به زوجین (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰، ص ۷۵؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۰۸؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۳۴۶).

از دید قرآن کریم، ایمان از عوامل سازگاری است.
از دید قرآن کریم، تقوا از عوامل سازگاری است.
از دید قرآن کریم، امید به بهبود شرایط با عنایت خداوند از عوامل سازگاری است.
از دید قرآن کریم، پاک‌دامنی از عوامل سازگاری است.
از دید قرآن کریم، اصلاح‌طلبی از عوامل سازگاری است.

ازبیدی فر، علی اکبر، ۱۳۸۲، «معیار کفایت در نکاح»، مقالات و بررسی‌ها، ش ۷۴، ص ۲۸۹.
جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۰۷ق، *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة*، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، ج چهارم، بیروت، دارالعلم للملایین.
دیلمی، حسن بن ابی الحسن، ۱۴۰۸ق، *اعلام الدین*، قم، مؤسسه آل‌البیت.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت، دارالعلم.
زارعی، محمد مهدی و عبدالکریم عبداللهمی، ۱۳۸۷، «جایگاه همسانی اخلاقی زوجین در تشکیل خانواده در فقه و حقوق»، *موضوعه مطالعات اسلامی (فقه و اصول)*، ش ۸۱، ص ۹۷-۱۳۰.
زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۰۷ق، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، ج سوم، بیروت، دار الکتب العربی.
سیدبن قطب، ۱۴۱۲ق، *فی ظلال القرآن*، ج هفدهم، بیروت، دارالشروق.
شعاری نژاد، علی اکبر، ۱۳۷۵، *فرهنگ علوم رفتاری*، تهران، امیرکبیر.
صدوق، محمد بن علی، ۱۳۹۸ق، *التوحید*، قم، جامعه مدرسین.
طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ج سوم، تهران، ناصر خسرو.
طبریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، *مجمع البحرین*، ج سوم، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
عمید، حسن، ۱۳۶۲، *فرهنگ عمید*، ج چهارم، تهران، امیرکبیر.
فخررازی، محمد بن عمر، ۱۴۲۰ق، *مفاتیح الغیب*، ج سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ق، *العین*، ج دوم، قم، هجرت.
فضل‌الله، سید محمد حسین، ۱۴۱۹ق، *تفسیر من وحی القرآن*، ج دوم، بیروت، دارالملاک للطباعة و النشر.
فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، بی تا، *القاموس المحیط*، بی جا، بی تا.
قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیة.
مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۴ق، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء.
مصباح، محمد تقی، ۱۳۸۴، *مشکات*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رضی.
مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
مطهری، مرتضی، ۱۳۷۱، *انسان و ایمان*، ج هشتم، تهران، صدرا.
مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیة.

نتیجه‌گیری

با بررسی آیات قرآن کریم، روشن شد:

..... منابع
آقا محمدیان، حمیدرضا و همکاران، ۱۳۸۵، «نهادهای خانواده در جامعه دینی»، *پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*، ش ۵ و ۶، ص ۱۶۱-۱۸۲.
ابن عاشور، محمد بن طاهر، بی تا، *التحریر و التنویر*، بی جا، بی تا.
ابن فارس، ابن زکریا، ۱۴۰۴ق، *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتبه الاعلام الاسلامی.
امام حسن عسکری علیه السلام، ۱۴۰۹ق، *التفسیر المنسوب الی الامام العسکری*، قم، مدرسه امام مهدی (عج).